

هرج و مرج در فرودگاه‌های آمریکا

صفحه ۱۵



آغوش مجانی

صفحه ۲

واکنش ضعیف و منفعلانه دولت روحانی به اقدام دولت ترامپ در ممنوع کردن ورود ایرانی‌ها به خاک آمریکا



تیتراهای امروز

پیام رهبر انقلاب در تجلیل از فدائیکاری آتش نشانان شهید حادثه پلاسکو

یاد دفاع مقدس زنده شد

امروز، تشییع شهدای آتش نشان از مصلاي امام خميني(ره)



صفحه ۴

با موافقت دولت و مجلس

هشتم ربيع الاول تعطيل رسمي شد

صفحه ۲

مهرداد بذرپاش:

کار از اصلاحات جزئی گذشته است

صفحه ۲

چند ساعت پس از اظهارات رئیس کل بانک مرکزی انجام شد

تجمع سپرده‌گذاران سرگردان کاسپین مقابل مجلس

صفحه ۲

نگاه

کروکی دوشنبه شب‌ها!

حسین قدیانی

برخوردی که هر دوشنبه شب، مجری ۹۰ با صداوسیما و نظم و نسق این سازمان می‌کند، حکایت آن راننده‌های است که در چهارراهی می‌زند به ماشین جلویی! راننده ماشین جلویی می‌آید پایین ببیند چه بلای سر ماشینش آمده، می‌بیند راننده ماشین عقبی، بی‌آنکه زحمت پیاده شدن از ماشین را به خود بدهد، دستی بر سینه گذاشته و سری تکان می‌دهد! راننده ماشین جلویی هم بی‌خیال افسر و کروکی، سوار ماشین می‌شود و راه می‌افتد اما در چهارراه بعدی، دوباره همان راننده عقبی می‌زند به طرف! با این تفاوت که این بار، به راننده ماشین جلویی که دارد از آینده، عقب را نگاه می‌کند، اشاره می‌کند پیاده نشو، من!

آری! سال‌هاست هر دوشنبه شب، مجری مد نظر، در تقاطع ۹۰ به پروتکل سازمان صداوسیما می‌گوید و با یک «پیاده نشو، من!» همه چیز هم ختم به خیر می‌شود! در آخرین نمونه، هفته پیش شاهد بودیم ۴۵ دقیقه تمام، به ماشین نظم و نسق صداوسیما، «مالانده» شد و دست آخر هم، اکتفا شد به یک تذکر خشک و خالی! و این یعنی قصه «پیاده نشو، من!» حالا حالاها ادامه دارد، مگر آنکه مدیران رسانه ملی، با تجدید نظر در نحوه مدیریت خود، متوجه اهمیت «کفایت» برای اداره یک سازمان باشند! چیست اما حرف حساب ما؟! اشاره می‌کنم به ۲ مثال، تا همه چیز روشن شود و روشن شود که در این نوشتار، بحث ما، نه «سیاست»، بلکه تنها و تنها «کفایت» است!

مثال نخست - چندی پیش، فلان مجری در خلال گزارش آب‌وهوا، طلعنه‌ای هم نثار نقض برجام کرد! ما با همه نقدهایی که به برجام داریم، آیا از کار نسنجیده آن گزارش شکر دفاع کردیم؟! و آیا خرده بر مدیران رسانه ملی گرفتیم که چرا با او برخورد کردید؟! ما ناظر بر اهمیت عنصر کفایت برای اداره سازمان صداوسیما، به جد معتقدیم خوب یا بد بودن نقض برجام توسط آمریکا، ربطی به گزارش‌های که قرار است از وضعیت آب‌وهوای کشور بینیم و بشنوم ندارد. گزارشگر مد نظر هم حالا اگر خیلی اصرار دارد نظر خود را درباره نقض برجام بگوید، زحمت این کار را بیندازد روی دوش صفحه شخصی خود در فضای مجازی، نه برنامهای که اختصاص به آب‌وهوا دارد!

ادامه در صفحه ۵



وزیر راه حاضر نشد برای ادای توضیحات درباره حادثه هفت‌خوان به کمیسیون عمران مجلس برود و کمیسیون نیز طرح استیضاح وی را به هیأت رئیسه ارجاع داد

سوت آخر!

۶۵ روز بعد از فاجعه برخورد ۲ قطار در سمنان و کشته شدن ۴۲ هموطن عباس آخوندی حاضر به شفاف‌سازی نیست

مسکن مهری‌ها هم علیه سیاست‌های وزیر راه در مقابل مجلس تجمع کردند

عکس: مریم‌سوریه‌سوری‌ایزن

اظهارات ناصر نوبری از تشابهات مذاکرات آمریکایی‌ها با دولت روحانی و گورباچف و عارضه تازه به دوران رسیدگی در ایران

مثل کابوی نیمه‌شب شده‌اند

دیپلمات باسابقه کشورمان تصریح کرد: من تنها دیپلمات رده بالا در ایران هستم که تحولات آن زمان شوروی را به‌طور کامل به چشم دیدم. شوروی کلی کارهای اصلی برای اعتمادسازی انجام داد اما آمریکا هم در مقابل یک شعبه مک‌دونالد دولت سبزی‌فروشی هم کارمند دولت بود و کارمند دولت بود یعنی تا این حد همه چیز دولتی بود و علتش این بود که براساس تئوری اولیه مارکسیسم معتقد به عدم مالکیت بودند یعنی به مالکیت شخصی و خصوصی قائل نبودند و همه چیز را دولتی کرده بودند و آن یکی دو درصد هم وقتی بود که یک نفر از فلاکت کنار خیابان بساط کند.

دیپلمات با سابقه کشورمان ادامه داد: وقتی شما در اقتصادتان رقابت نداشته باشید و بازاری وجود نداشته باشد، اصولاً تولیدات‌تان هم از کیفیت می‌افتد و بر همه چیز اثر می‌گذارد. اقتصاد دولتی همه چیز را منفعل و راکد می‌کند. این نخستین نکته مهم است که به دلیل نبود بازار و به دلیل عدم مالکیت خصوصی رقابت تعطیل می‌شود و وقتی رقابت در صحنه اقتصادی، تجاری، صنعتی و فنی نباشد رکود و بی‌کیفیتی پیش می‌آید. مثالی را شما در ایران دارید؛ هر جا ما رقابت نداریم فلاکت داریم. مثلاً در صنعت اتومبیل



انحصار خودروسازان یک فلاکت ایران است و باعث می‌شود براجتی اتومبیل غیراستاندارد و قاتل مردم را با قیمتی که می‌خواهند بفروشند و رقیب ندارند. در واقع یک رکود جدی و بی‌کیفیتی پیش می‌آید. وی سیاست خارجی شوروی را از عوامل اصلی سقوط این حکومت خواند و به مذاکرات ریگان با روس‌ها اشاره کرد و افزود: آمریکایی‌ها به روس‌ها می‌گفتند شما که می‌خواهید با ما دوست شوید، این سلاح‌های استراتژیک‌تان که به سمت ما هدف گرفته برگردانید و گورباچف بدون شرط اکثر سلاح‌های استراتژیک را از سوی آمریکا برگرداند اما باز گفتند برای اعتمادسازی سلاح اتمی جدید آزمایش نکنید که گورباچف آزمایش‌های اتمی شوروی را در مقطعی برای اعتمادسازی متوقف کرد.

نقوذ حقارت فرهنگی تا بالاترین جایگاه

اوباما هر از گاهی وسط مذاکرات با ایران در این دو سه سال می‌گفتند ما مانند دوران شوروی که ریگان با روس‌ها مذاکره می‌کرد با ایرانی‌ها مذاکره می‌کنیم ولی هیچ‌کس نتوانست تفسیر کند یعنی چه؟ این چه مدلی است؟ مدلی که آن زمان آمریکایی‌ها با روس‌ها مذاکره می‌کردند، ژست مثبت و روی خوش اما محتوا تقریباً هیچ است. این استراتژی مدل مذاکراتی است که اوباما و کری در کنگره در دفاع از نوع مذاکره با ایران اسم بردند و گفتند ما با مدلی که ریگان با شوروی مذاکره کرد با ایران مذاکره می‌کنیم و با این حرف به کنگره کد دادند که نگران نباشد. آمریکایی‌ها می‌گفتند شما می‌خواهید با ما دوست شوید، خیلی خوب است و ما با شما مشکل نداریم و دوست می‌شویم. روی خوشی که دیدیم تیم اوباما و کری به ایران اما با محتوای «تقریباً هیچ» نشان دادند، تیم ریگان به روس‌های شوروی نشان می‌دادند. وزرای خارجه دو کشور مرتب با هم گپ می‌زدند، قدم می‌زدند و در ماه عسل بودند.

هواپیمای تحقیر آمیز

نوبری در ادامه به موضوع خرید ایرباس اشاره کرد و افزود: من این روزها وقتی می‌بینم چند وزیر و نماینده با وجد بسیاری با یک هواپیمای غربی عکس یادگاری می‌گیرند، یاد حقارت‌زدگی و تازه به دوران رسیدگی حاکمان آن موقع شوروی می‌افتم. وی تصریح کرد: در آن زمان هالیوود فیلمی ساخته بود که در واقع گویای کاری بود که با کشورهای مثل شوروی می‌کردند و الان نیز با ایران دارند این کار را می‌کنند. اسم فیلم «کابوی نیمه شب» بود و «داستین هافمن» بازیگرش بود. کابوی نیمه‌شب بخوبی تازه به دوران رسیدگی و دور شدن از اصالت و داشته‌های خود با هدف متمدن شدن را روایت می‌کند. داستان فیلم درباره ۲ بچه شهرستانی است که شنیده‌اند در نیویورک چه خبرهایی است و چه پیشرفت‌ها و چه تمدنی است و به هوای رساندن و همتراز کردن خود با نیویورکی‌ها، وارد نیویورک می‌شوند و مدل کلاسیک عمیق بلا و فلاکتی را که در این مدت سرشان

می‌آید نشان می‌دهد و هست و نیست‌شان بر باد می‌رود. آخر سر که پشیمان و متوجه اشتباه‌شان می‌شوند و تصمیم به بازگشت به اصالت خود و شهر خود می‌گیرند دیگر دیر شده و رمقی برای‌شان نمانده و راه بازگشت داستین هافمن می‌میرد!

بیرونی روشنفکران روس از غرب وی با تاکید بر اینکه در شوروی گریز به مرکز رخ داد و حکومت فروپاشانده شد، گفت: در شوروی اگر گریز از مرکز صورت می‌گرفت باید اول قریزستان بعد تاجیکستان، ترکمنستان و سایر جماهیر وابسته، خودشان را از اتحاد شوروی جدا می‌کردند اما نخستین جایی که خودش را از شوروی جدا کرد مسکو بود نه قریزستان، ترکمنستان یا تاجیکستان. می‌دانید چرا؟ برای آنکه روشنفکران و غربگرایان آن زمان مسکو تئوری‌شان این بود که ما می‌خواهیم مثل آلمان، انگلیس و فرانسه اروپایی شویم و به خانواده مشترک اروپا بپیوندیم پس باید مثل آنها مدرن شویم و پیشرفت کنیم. اینهایی که دور خودمان اویزان کرده‌ایم به عنوان اتحاد شوروی ۷۰ سال است نتوانستیم بالا بکشیم بلکه اینها ما را پایین کشیدند. این همان چیزی است که هیچ کس در دنیا به آن توجه نکرد. عین فضا و فکری که الان در ایران برخی دارند و می‌گویند باید لبنان، سوریه و محور مقاومت را رها کنیم.

سفر سابق ایران در شوروی ادامه داد: پلتسین رهبری اصلاح‌طلبان تندرو را بر عهده گرفت و مسکو و روسیه را از اتحاد شوروی جدا کرد. مرکز یعنی روسیه با جدایی از اتحاد شوروی خودش را مستقل کرد که این یعنی مرکزگرایی و رها کردن دیگر جمهوری‌ها و بلوک شرق و تعهدات جهانی با هدف پیشرفت و اعتدالی روسیه و مرکز که من نام آن را «گریز به مرکز» می‌گذارم. بلکه از این نظریه من می‌توان برای تحولات امروز جهان نتایج مهمی را استنتاج کرد. در حال حاضر روی کار آمدن ترامپ با شعار آمریکاگرایی و رها کردن تعهدات جهانی یا خروج بریتانیا از اتحادیه اروپایی نشانه‌های آغاز «گریز به مرکز» در اردوگاه غرب و تبعات ناشی از آن است، بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد اردوگاه غرب آستان تحولات عمیق است و تغییرات اساسی در آن در شرف وقوع است به طوری که اردوگاه غرب به شکل و مدل کلاسیک ۷۰ سال اخیرش کاملاً دگرگون می‌شود.